

به نام خداوند دانایی
خِرَد رهنمای و خِرَد دلگشای

صافی - قیاسوند



حکیم ابوالقاسم منصور فردوسی طوسی
شاعر **حماسه سرای ایرانی** و سراینده **شاهنامه**، حماسه
ملی **ایران**، است. فردوسی شاعر قرن نهم است. فردوسی
از شهرت جهانی برخوردار است. فردوسی را **حکیم**
سخن و حکیم طوس گویند.

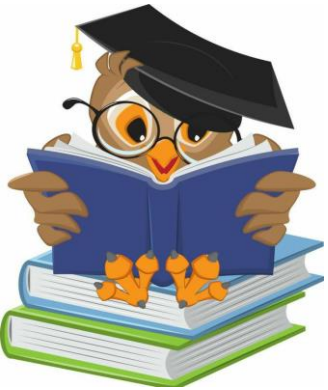
شاهنامه، پرآوازه ترین سروده فردوسی است.
فردوسی برای سرودن شاهنامه سی سال رنج کشید.

در ایران روز ۲۵ اردیبهشت به نام روز
بزرگداشت فردوسی نامگذاری شده است



به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

به نام آفریدگار جان و اندیشه آغاز می‌کنم که اندیشه‌ای برتر و بهتر از این (شروع هر کاری با نام خدا) از ذهن انسان نمی‌گذرد.



خرد رهنمای و خرد دلگشای خرد، دست گیرد به هر دو سرای

عقل، راهنما و و شادی بخش و کمک‌کننده‌ی انسان در هر دو جهان است.

به دانش گرای و بدو شو بلند چو خواهی که از بد نیابی گزند

به علم و دانش روی بیاور و با آن رشد کن اگر می‌خواهی که از بدی‌ها آسیب نبینی.

ز نادان، بنالد دل سنگ و کوه ازیرا ندارد بر کس، شکوه

دل و جان سنگ و کوه نیز از نادان می‌نالد زیرا در نزد هیچ کس بزرگی و شکوه ندارد.

توانا بود، هر که دانا بُود ز دانش دل پیر، بُرنا بود

هر کس که دانا و عاقل باشد، توانمند است و از دانش و دانایی حتی دل انسان پیر نیز جوان می‌ماند.



مخالف ها:
بلند # کوتاه
بد # خوب
برنا # پیر توانا # ناتوان

هم خانواده:
رهنما: راهنمایی
دانش: دانشمند، دانشگاه
توانا: توانایی، توانمند

معنی واژگان:

خرد: عقل

دست گیرد: کمک می کند

هر دو سرا: دنیا و آخرت

گزند: آسیب ، ضرر

برنا: جوان

برنگذرد: تصور نمی شود

کزین: که از این

رهنمای : مخفف راهنما

گرای: میل و رغبت به چیزی

شکوه : بزرگی

ازیرا : زیرا که



در کتاب درسی خواندید:

واژه غیر ساده آن است که فقط از یک جزء تشکیل نشده باشد.
واژه های غیر ساده مختلف با واژه ساز گر و گار ترکیب میشوند و
واژه جدید با معنی جدید میسازند.

برای مثال:

زر + گر = **زرگر** : کسی که با زر و طلا چیزهایی مثل انگشتر و گردنبند و...
میسازد

رفت + گر = **رفتگر** : کسی که کوچه و خیابان را تمیز میکند

پرورد + گار = **پروردگار** : آفریننده جهان هستی

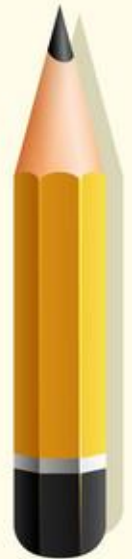
روز + گار = **روزگار** : به دوره ای از زمان میگویند



بعضی از واژه سازها به ابتدای کلمه اضافه میشوند
که به آنها **پیشوند** میگویند.

مثال:

با (با هنر) - بی (بی عقل) - باز (باز پرس) - ن (نَسوز)
هم (همنشین) (همراه) - بر (برگشت) - نا (نا سپاس)



بعضی از واژه سازها به انتهای کلمه اضافه میشوند که به آنها **پسوندها** میگویند.

دانشمند : دانش + **مند** = کسی که دارای دانش است.

گلدان : گل + **دان** = ظرف مخصوص نگهداری گل.

دروازه بان : دروازه + **بان** = کسی که مراقب دروازه است.

هنرمند : هنر + **مند** = کسی که دارای هنر است.

نگهبان : نگه + **بان** = کسی که مسئول مراقبت از جایی است.

نمکدان : نمک + **دان** = ظرفی که در آن نمک میریزند.

پر کاربرد ترین پسوند ها:

بان (دروازه بان) - **دان** (قلم دان) - **ستان** (بیمارستان)
سار (چشمه سار) - **زار** (لاله زار) - **گر** (کوزه گر)
گری (یاغی گری) - **گاه** (آزمایشگاه) - **ش** (دانش)
وار (امیدوار، دیوانه وار) - **چه** (کتابچه) - **گین** (اندوهگین)
ناک (سوزناک) - **مند** (اندیش مند) - **گار** (آموزگار)
سَنده (دونده) - **ان** (به غیر از نشانه جمع مثلا گریان، کوهان)
انه (روزانه) - **ار** (دیدار) - **ا** (بینا و شنوا) - **ه** (نوشته ، هفته)
ی (مثلا آهنی) - **ور** (هنرور) - **ک** (عروسک)